



**رژیم حقوقی سرمایه‌گذاری خارجی
در بخش نفت و گاز ایران
در مقایسه با مقررات پیمان منشور انرژی**

دکتر علی محمد حکیمیان



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

زمستان ۱۳۹۵

حکیمیان، علی محمد، ۱۳۳۹ - .
رژیم حقوقی سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت و گاز ایران در مقایسه با مقررات پیمان منشور انرژی /
علی محمد حکیمیان. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۵.
ده، ۲۴۴ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۳۷۳: حقوق؛ ۳۶)
ISBN: 978-600-298-058-8
بها: ۱۲۰۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه: ص. [۲۲۳]-۲۳۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.
۱. معاهده منشور انرژی (۱۷ دسامبر ۱۹۹۴). ۲. نفت - ایران - صنعت و تجارت - قراردادهای گاز - ایران -
صنعت و تجارت - قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی - ایران. ۵. قراردادهای نفت و گاز - ایران. الف.
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.
۱۳۹۵ ۴ ج ۸ / K ۳۹۱۵ / ۰۷۷۲ / ۳۴۳
شماره کتابشناسی ملی
۴۳۳۱۶۲۶



رژیم حقوقی سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت و گاز ایران در مقایسه با مقررات پیمان منشور انرژی

مؤلف: دکتر علی محمد حکیمیان

صفحه‌آرایی: کاما

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۵

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - جعفری

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۳۲۱۱۱۱۰۰ - ۰۲۵ (انتشارات: ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص.پ. ۳۱۵۱ - ۳۷۱۸۵ ● تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

www.ketab.ir/rihu

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان منبع کمک درسی برای دانشجویان «اقتصاد نفت»؛ «حقوق نفت و گاز» و «مدیریت قراردادهای نفت و گاز» در مقطع کارشناسی ارشد و نیز دیگر علاقه‌مندان به مطالعات حقوقی نفت و گاز تهیه شده است.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه بر خود لازم می‌داند از مؤلف محترم اثر جناب آقای دکتر علی‌محمد حکیمیان و نیز از استادان گرامی ارزیاب اثر آقایان دکتر عبدالحسین شیروی، دکتر ربیعا اسکینی و دکتر علیرضا باریکلو سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

۱	مقدمه مؤلف
۳	مقدمه
۱۵	فصل اول: مفاهیم، تاریخچه، انواع و روش‌های سرمایه‌گذاری خارجی در نفت و گاز ایران و ...
۱۵	مبحث اول: مفاهیم و تاریخچه
۱۶	گفتار اول: مفاهیم
۱۶	بند اول: رژیم حقوقی
۱۸	بند دوم: سرمایه‌گذاری خارجی
۲۱	بند سوم: قرارداد نفتی
۲۴	بند چهارم: پیمان منشور انرژی
۲۹	بند پنجم: نفت و گاز
۳۳	بند ششم: عملیات بالادستی
۳۴	بند هفتم: عملیات پایین دستی
۳۶	گفتار دوم: تاریخچه سرمایه‌گذاری خارجی نفتی در ایران و در چارچوب پیمان منشور انرژی
۳۷	بند اول: تاریخ اجمالی سرمایه‌گذاری خارجی در نفت و گاز ایران
۴۱	بند دوم: تاریخچه حقوقی سرمایه‌گذاری خارجی در نفت و گاز ایران
۴۱	الف) قبل از مشروطیت
۴۳	ب) از مشروطه تا ملی شدن
۵۰	ج) بعد از ملی شدن تا پیروزی انقلاب
۵۵	د) بعد از انقلاب
۶۳	بند سوم: تاریخچه سرمایه‌گذاری در چارچوب پیمان منشور انرژی
۶۵	مبحث دوم: انواع و روش‌های سرمایه‌گذاری خارجی نفتی در ایران و در چارچوب پیمان منشور انرژی
۶۶	گفتار اول: انواع سرمایه‌گذاری خارجی

۶۷	بند اول: تقسیم‌بندی از منظر اقتصادی
۷۰	الف) سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
۷۰	۱. سرمایه‌گذاری مستقل خارجی
۷۲	۲. سرمایه‌گذاری مشترک خارجی
۷۳	۱-۲. سرمایه‌گذاری مشترک قراردادی خارجی (بدون ایجاد شخصیت حقوقی)
۷۴	۲-۲. سرمایه‌گذاری مشترک خارجی از طریق تأسیس شرکت
۷۵	ب) سرمایه‌گذاری پرتفولیو
۷۸	بند دوم: تقسیم‌بندی از دیدگاه پولی
۸۱	الف) منابع مالی داخلی
۸۴	ب) منابع مالی خارجی
۸۵	۱. روش‌های استقرایی
۸۷	۲. روش‌های تأمین مالی غیر استقرایی
۸۸	۱-۲. تأمین مالی پروژه
۸۸	۱-۱-۲. ساخت، بهره‌برداری و واگذاری (بی. او. تی)
۸۹	۲-۱-۲. بازسازی، بهره‌برداری و واگذاری (آر. او. تی)
۸۹	۳-۱-۲. طراحی، ساخت، بهره‌برداری و نگهداری (دی. بی. او. ام)
۸۹	۲-۲. تجارت متقابل
۹۷	بند سوم: تقسیم‌بندی از دیدگاه شرکت‌های نفتی بین‌المللی
۱۰۰	گفتار دوم: روش‌های سرمایه‌گذاری خارجی نفتی در ایران و در چارچوب پیمان منشور انرژی
۱۰۰	بند اول: روش‌های سرمایه‌گذاری خارجی نفتی در ایران
۱۰۰	الف) قراردادهای امتیاز نفتی
۱۰۰	۱. قراردادهای امتیاز کلاسیک
۱۰۲	۲. قراردادهای امتیاز مدرن
۱۰۳	ب) قراردادهای مشارکت نفتی
۱۰۵	۱. مشارکت در تولید
۱۰۷	۲. مشارکت در سرمایه‌گذاری
۱۰۸	۳. مشارکت در سود
۱۰۹	ج) قراردادهای خدمت
۱۱۱	۱. قراردادهای خدمت بدون ریسک
۱۱۲	۲. قراردادهای خدمت همراه با ریسک
۱۱۴	۳. قرارداد کنسرسيوم
۱۱۵	د) قراردادهای بیع متقابل نفتی ایران
۱۲۰	بند دوم: روش‌های سرمایه‌گذاری خارجی در چارچوب پیمان منشور انرژی

۱۲۳	فصل دوم: ارکان و ماهیت قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی نفتی و اصول حقوقی ناظر بر آنها...
۱۲۳	مبحث اول: ارکان و ماهیت حقوقی
۱۲۴	گفتار اول: ارکان قراردادهای نفتی
۱۲۴	بند اول: طرفین قرارداد
۱۲۵	الف) دولت یا شرکت دولتی
۱۲۷	۱. دولت متصدی
۱۲۷	۲. دولت حاکم
۱۲۷	۳. دولت نماینده
۱۲۸	ب) شرکت‌های بین‌المللی سرمایه‌گذار نفتی
۱۲۹	بند دوم: موضوع قرارداد
۱۳۱	گفتار دوم: ماهیت قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی نفتی
۱۳۲	بند اول: دکترین‌های کلاسیک
۱۳۳	الف) دکترین قراردادهای داخلی
۱۳۳	ب) دکترین قراردادهای بین‌المللی
۱۳۴	ج) دکترین قراردادهای اداری
۱۳۴	د) دکترین قراردادهای بازرگانی
۱۳۵	ه) دکترین قراردادهای بی‌قانون (تابع خود یا نظریه خلأ)
۱۳۵	بند دوم: دکترین‌های نئوکلاسیک
۱۳۵	الف) دکترین قراردادهای مستقل
۱۳۶	ب) دکترین قراردادهای نیمه‌خصوصی و نیمه‌عمومی
۱۳۶	ج) دکترین قراردادهای سیال
۱۳۶	د) دکترین قراردادهای با ماهیت خاص
۱۳۷	بند سوم: نظریه قراردادهای انعطاف‌پذیر (نظر مختار)
۱۳۷	الف) موضوع قراردادهای سرمایه‌گذاری نفتی
۱۳۸	۱. نقش شرکت‌های بزرگ نفتی در بنیان‌های اقتصادی کشور سرمایه‌پذیر
۱۳۹	۲. روش سرمایه‌گذاری
۱۴۱	ب) شرکت‌های بزرگ نفتی طرف قرارداد
۱۴۳	ج) نقش دولت طرف معامله یا نماینده او
۱۵۰	د) نقش نظام حقوقی کشور میزبان
۱۵۱	۱. قانون پایه
۱۵۳	۲. انواع نظم عمومی و مفهوم آن
۱۵۴	ه) نتیجه (نظریه قراردادهای با ماهیت انعطاف‌پذیر)
۱۵۶	گفتار سوم: ارکان و ماهیت قراردادهای نفتی از منظر مقررات پیمان منشور انرژی
۱۵۸	مبحث دوم: اصول و مقررات ناظر بر سرمایه‌گذاری خارجی نفتی در نظام حقوقی ایران

۱۵۸	گفتار اول: قبل از انقلاب
۱۵۸	بند اول: رژیم حقوقی قراردادی
۱۶۱	بند دوم: رژیم حقوقی مضاعف
۱۶۲	الف) رژیم حقوقی قانونگرا
۱۷۰	ب) رژیم حقوقی متحول (قراردادی به نمونه قانونی)
۱۷۳	بند سوم: رژیم حقوقی قوانین نفتی
۱۷۷	گفتار دوم: بعد از انقلاب
۱۷۸	بند اول: رژیم حقوقی سنواتی
۱۷۹	بند دوم: رژیم حقوقی برنامه‌ای
۱۸۳	مبحث سوم: مقایسه مقررات ناظر بر سرمایه‌گذاری خارجی نفتی نظام حقوقی ایران و پیمان منشور انرژی
۱۸۵	گفتار اول: آزادسازی سرمایه‌گذاری خارجی نفتی
۱۸۶	بند اول: ضعف در سیاست‌گذاری و قانونگذاری
۱۸۷	الف) ضعف در سیاست‌گذاری
۱۸۹	ب) ضعف در قانونگذاری
۱۹۰	بند دوم: انحصارگرایی در مالکیت و فعالیت
۱۹۰	الف) ابهام در رژیم مالکیت منابع نفتی
۱۹۳	ب) انحصارگرایی در مالکیت منابع نفتی
۱۹۳	ج) انحصارگرایی فعالیت در بخش نفت و گاز
۲۰۰	بند سوم: محدودیت مراجعه به داوری
۲۰۰	الف) قوانین ایران
۲۰۴	ب) پیمان منشور انرژی
۲۰۴	۱. اختلاف میان سرمایه‌گذار و طرف متعاقد
۲۰۶	۲. اختلافات دولت با دولت
۲۰۷	گفتار دوم: تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی
۲۰۸	بند اول: اصل عدم تبعیض (شرط دولت کامله الوداد و رفتار ملی)
۲۱۰	بند دوم: اصل عدم مصادره
۲۱۳	بند سوم: اصل رفتار عادلانه و منصفانه
۲۱۴	بند چهارم: اصل جانشینی
۲۱۵	بند پنجم: اصل انتقال سرمایه و سود
۲۱۷	نتیجه و پیشنهادات
۲۱۷	الف) نتیجه پژوهش
۲۱۸	ب) پیشنهادات
۲۱۸	۱. رژیم حقوقی پیشنهادی سرمایه‌گذاری خارجی در نفت و گاز ایران
۲۱۸	۱-۱. اصل تبیین مالکیت و حاکمیت و تفکیک آن دو

۲۱۸	۲-۱. عدم دخالت قوه مجریه در امور نفت و گاز
۲۱۸	۳-۱. رقابتی بودن فعالیت‌های نفتی
۲۱۹	۴-۱. تجاری و بازرگانی شدن شرکت ملی نفت ایران
۲۱۹	۵-۱. تعیین رابطه مالی و نظارتی بین دستگاه‌های مافوق و شرکت ملی نفت
۲۱۹	۶-۱. طراحی و تصویب قانون جامع و انعطاف‌پذیر
۲۱۹	۲. آثار الحاق به پیمان منشور انرژی در مقررات سرمایه‌گذاری خارجی ایران
۲۲۰	۱-۲. جذب سرمایه خارجی
۲۲۰	۲-۲. رشد شرکت‌های داخلی و رقابتی شدن فعالیت در صنعت نفت
۲۲۰	۳-۲. رهایی از تحریم و عدم برخورداری تکنولوژی برتر
۲۲۰	۴-۲. خدشه‌دار کردن حاکمیت بر منابع نفت
۲۲۱	۵-۲. تنافی با قوانین جاری و لزوم قانونگذاری

۲۲۳	منابع و مأخذ
۲۲۳	منابع فارسی و عربی
۲۳۰	قوانین و مقررات
۲۳۴	منابع انگلیسی
۲۳۵	منابع اینترنتی

۲۳۷	نمایه‌ها
۲۳۷	نمایه اعلام
۲۳۹	نمایه قوانین، قراردادها و شرکت‌های نفتی

تقدیم به شهدای صنعت نفت، آنان که در
وقت آتش جنگ پروانه وار خود را به دریا دریا
آتش سپردند تا با عروجشان راهمان روشن و
ایرانمان سربلند باشد.

مقدمه مؤلف

حقوق اقتصادی در ایران آغازین روزهای رشد خود بعد از تثبیت این رشته در آموزش کشور را می‌گذرانند. این رشته از جمله علوم بین‌رشته‌ای است که می‌تواند نقش مؤثری در پیشرفت توأمان دو علم رشته حقوق و اقتصاد داشته باشد و با ادغام گزاره‌های آن دو رشته، باب جدیدی را در کاربردی کردن این علوم باز کند. پیشرفت صنعت و نگاه به بازارهای بین‌المللی در کشور باعث شده تا این رشته جدید در ایجاد و انعقاد قراردادهای جدید با صاحبان سرمایه، تکنولوژی و بازار مصرف وظیفه و نقش محوری را ایفا نماید. وجود منابع سرشار نفت و گاز، قرار گرفتن ایران در مرکز بیضی انرژی جهان با موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکانومیک، اهمیت تغییر در مقررات سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت و گاز و روزآمد کردن صنعت نفت را دوچندان می‌سازد. به همین دلیل بهره بردن از نظرات و دانش افراد خبره و برخوردار از دانش حقوق اقتصادی و تجاری بین‌الملل نه تنها بر غنای پژوهش در این رشته می‌افزاید که نگاهی کاربردی به نتیجه تحقیق داده و کار انجام‌شده را از نقص پایدار صرفاً نظری بودن عمده تحقیقات در کشور مبرا می‌کند. لذا بر خود فرض می‌دانم از اساتید محترم آقای دکتر عبدالحسین شیروی متخصص در حقوق نفت و گاز و مذاکره‌کننده ارشد قراردادهای بین‌المللی کشور در این حوزه و استاد دانشگاه تهران، جناب استاد آقای دکتر ربیعا اسکینی مشاور حقوقی سابق سازمان انرژی اتمی ایران، جناب آقای دکتر علیرضا باریکلو استاد تمام پردیس فارابی دانشگاه تهران، جناب آقای دکتر محمود حکمت‌نیا استاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، جناب آقای دکتر ابراهیم عبدی‌پور دانشیار دانشگاه قم، آقای دکتر مهدی حدادی دانشیار حقوق بین‌الملل پردیس فارابی دانشگاه تهران و جناب آقای دکتر عبدالرضا علیزاده استاد حقوق خصوصی آن دانشگاه تشکر

۲ رژیم حقوقی سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت و گاز ایران...

نموده و سپاس خود را به دلیل خواندن این پژوهش و نقد و بررسی آن، ابراز دارم و از ایزد متعال برای آنان خدمت به جامعه علمی و پیشبرد مقاصد عالیه خودشان در این عرصه را خواستار شوم.

قم - بهمن ۱۳۹۵
دکتر علی محمد حکیمیان

مقدمه

پرداختن به موضوع رژیم حقوقی سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت و گاز ایران زمانی اهمیت خود را نشان می‌دهد که بدانیم در حال حاضر ذخایر نفت و گاز جمهوری اسلامی ایران به ترتیب برابر ۱۵۷ میلیارد بشکه (۱۱/۲ درصد جهان) و ۳۴ تریلیون متر مکعب (برابر ۱۶ درصد کل ذخایر جهان) است که عمر آنها براساس میزان تولید فعلی به ترتیب برابر ۸۹ و بیش از ۲۰۰ سال می‌باشد.^۱ در چنین شرایطی با توجه به نیاز جهان به نفت کشورهای عضو اوپک^۲ و میزان منابع شناخته‌شده نفتی، در صورت حفظ سهم درصدی کنونی ایران در اوپک، تولید روزانه نفت خام ایران تا سال ۲۰۲۰م، می‌بایست به ۵/۳ میلیون بشکه برسد^۳ و دستیابی به این سطح از تولید در صنعت نفت کشور نیازمند به سرمایه عظیم و استفاده از فناوری جدید بوده و افزایش توان تولید نفت خام تنها از طریق جذب سرمایه‌گذاری خارجی میسر خواهد بود.^۴

وجود چالش‌های مهم و طولانی‌مدت مانند تحریم اقتصادی ایران از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا،^۵ تنش‌های سیاسی ایران در روابط خارجی،^۶ وجود فضای پرتنش منطقه‌ای و بین‌المللی، نبود

1. http://www.opec.org/opec_web/en/about_us/163.htm

۲. حسن تاش، «چالش‌های عمده بخش نفت و گاز و راهبردهای مربوط به آن»، مجله اقتصاد انرژی، ش ۵۴ و ۵۵، ص ۲-۵.

۳. بهشتی دهکردی، چشم‌انداز جهانی نفت و انرژی، ص ۷۲.

۴. اداره کل روابط عمومی وزارت نفت، نفت و توسعه در یک نگاه ۱۳۸۳-۱۳۷۶، ص ۴-۳۸.

5. Roger Stern, The Iranian Petroleum Crisis and United States National Security, PNAS Published Online Dec 26, 2006 available at www.pnas.org#otherarticles.

۶. فیضی، «تعامل نفت و سیاست خارجی در جمهوری اسلامی ایران: رهیافت تنش‌زدایی»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، س ۲، ص ۱۰۹-۱۳۷.

زمینه‌های کارآمد و کافی برای تعامل و همگرایی بین‌المللی،^۱ بالا بودن ریسک سرمایه‌گذاری در ایران، موانع حقوقی و قانونی در کشور، تعدد قوانین و مقررات و شفاف نبودن آنها و برخی سیاست‌های داخلی مانند سیاست‌های بانکی، مالی، گمرکی که ریسک‌های متفاوتی مانند ریسک سیاست‌گذاری اقتصادی، ریسک ساختار اقتصادی و ریسک نقدینگی را به دنبال داشته‌اند،^۲ موجب کند شدن روند جذب سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های مختلف کشور شده است.^۳ برابر آمار، ۷۵ درصد از درآمدهای ارزی کشور و تقریباً ۵۵ درصد درآمد دولت در بودجه عمومی از محل صادرات نفت خام تأمین می‌شده است^۴ و این روند کماکان ادامه دارد؛ افزون بر اینکه بخش ۹۸ درصد انرژی کشور را نیز تأمین می‌کند. طی بیست سال گذشته به‌طور متوسط بیش از ۵۴ درصد از درآمدهای بودجه عمومی دولت، ناشی از درآمدهای صدور نفت بوده است و این منهای اثرات غیر مستقیم صنعت نفت بر اقتصاد است.^۵ از سوی دیگر محدودیت منابع مالی داخلی برای سرمایه‌گذاری در صنعت نفت؛ محدودیت دسترسی به تکنولوژی‌های نوین در حوزه اکتشاف، توسعه و تولید، بالا بودن هزینه اجرای طرح‌ها توسط متخصصین داخلی و زمان‌بر بودن آن، عدم تولید صیانتی و نداشتن تکنولوژی جهت دستیابی به این امر مهم،^۶ افت طبیعی میزان تولید نفت خام کشور به دلیل وارد شدن بیشتر میادین نفتی کشور به نیمه دوم عمر خود، نیاز به افزایش توان تولید فعلی کشور به منظور حفظ جایگاه کنونی در اوپک و تثبیت موقعیت ممتاز ایران در عرصه سیاست‌گذاری بین‌المللی، الگوی نامناسب مصرف و کم شدن میزان صادرات، عدم تحولات ساختاری و مشکلات مدیریتی در صنعت نفت، محدودیت در منابع انسانی متخصص و...، نه تنها ضرورت رفع این محدودیت‌ها را پراهمیت می‌سازد^۷ که اهمیت تلاش برای ایجاد راه‌حل‌های حقوقی و از آن جمله رفع موانع قانونی جهت سرمایه‌گذاری خارجی در این حوزه اقتصادی را مضاعف می‌کند.

۱. بهروزی‌فر و نسیمی، «ایران، خلیج فارس و بازارهای جهانی انرژی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۲۰۹ و ۲۱۰، ص ۳۰-۴۳.
۲. صندوق ضمانت توسعه صادرات ایران، گزارشات بررسی ریسک کشوری.
۳. کهنسال، «علل عدم جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران»، دانش حسابرسی، ش ۲۱، ص ۳۴-۴۱.
۴. امیرمعینی و حاجی‌میرزایی، رژیم‌های مالی در صنعت نفت؛ نظام مالی دولت و شرکت ملی نفت ایران، ص ۷.
۵. اداره کل روابط عمومی وزارت نفت، نفت و توسعه، ص ۴۱.
۶. توکل و مهدی‌زاده، «بررسی تکنولوژی و صنعت نفت ایران: نگاهی از دریچه جامعه‌شناسی تکنولوژی ۱۲۸۷-۱۳۵۷»، نامه علوم اجتماعی، ش ۳۱، ص ۲۱-۵۶.
۷. اداره کل روابط عمومی وزارت نفت، نفت و توسعه، ص ۱۱-۴۴.

افزون بر اینکه استخراج همراه با ولع همسایگان ایران از میادین مشترک نفت و گاز، خدشه به حاکمیت ایران بر منابع و حتی امنیت ملی را نشانه گرفته است؛^۱ به نظر می‌رسد راه‌حل برون‌رفت از این چالش‌ها، بیش از پیش اهمیت سرمایه‌گذاری خارجی در حوزه‌های بالادستی و پایین‌دستی صنعت نفت را آشکار می‌سازد و به بیان دیگر باید سرمایه‌گذاری خارجی را از مهم‌ترین عوامل در جهت توسعه صنعت نفت کشور و به تبع آن توسعه اقتصادی کشور دانست. به موجب مفاد ماده سه «قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت» مصوب ۱۳۹۱/۲/۲۹ مجلس شورای اسلامی هدف از ایجاد وزارت نفت، اعمال اصل مالکیت و حاکمیت ملی ایران بر ذخایر و منابع نفت و گاز کشور و تأسیسات نفت، گاز و پتروشیمی و صنایع وابسته به آن در بهره‌برداری و بازاریابی است. اهم وظایف این وزارت به شرح زیر می‌باشد:

۱. صیانت از ذخایر و بهره‌برداری صحیح و مناسب از منابع نفت و گاز و حفظ و نگهداری تأسیسات آن؛

۲. کوشش در توسعه دانش فنی مربوطه در جهت خودکفایی هرچه بیشتر و بی‌نیازی از خارج؛

۳. نظارت بر امور مربوط به صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی، گاز و محصولات پتروشیمی و تصویب نهایی قراردادهای مربوط به امور مذکور و سایر قراردادها.

۴. برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های بزرگ سرمایه‌ای و نحوه تأمین منابع مالی لازم برای آنها؛

۵. تهیه و تدوین سازمان ستادی وزارت نفت و ساختار کلی شرکت‌های تابعه، نظارت بر سازمان‌دهی شرکت‌های مذکور و حصول اطمینان از رعایت اصول مصوب و تبعیت از هدف‌ها و خط‌مشی‌های کلی.^۲

دستیابی به این اهداف همان‌گونه که گذشت زمان، نشان داده است، بدون ورود شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی دارای سرمایه و تکنولوژی مدرن به عرصه صنعت نفت کشور امری دور از ذهن است.

از طرف دیگر دستیابی به اهداف چشم‌انداز نظام در بخش نفت و گاز نیز مستلزم سرمایه‌گذاری‌های کلان در این صنعت است. مطالعه برنامه جامع صنعت نفت نشان می‌دهد، میزان نیاز به سرمایه‌گذاری‌های جدید در طی سال‌های آینده بالغ بر ۵۰۰ میلیارد دلار

1. <http://jamejamonline.ir/online/> <http://alef.ir/vdcjooe8yuc88z.fsfu.html?228280> and.

۲. قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت، مصوب ۱۳۹۱/۲/۲۹، روزنامه رسمی کشور، ش ۱۳۱۵۶ مورخ ۱۳۹۱/۳/۲.

می‌باشد.^۱ به عبارت دیگر این صنعت به‌طور متوسط سالانه نیاز به ۲۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در سطوح مختلف بالادستی و پایین‌دستی دارد تا در زمان مقرر اهداف چشم‌انداز محقق شود؛ ولی سال‌ها از زمان اعلام ضرورت سرمایه‌گذاری با آن حجم گذشت و زمینه‌های دستیابی به آن اهداف محقق نشد؛ عدم تحقق میزان پیش‌بینی‌شده سرمایه‌گذاری در چند سال گذشته در صنعت نفت، ضرورت اندیشیدن در مورد راهکاری برای جبران عدم تحقق شدن این حجم از سرمایه‌گذاری را ثابت می‌کند. گذشته از آن، این حجم سرمایه‌گذاری در صنعت یادشده، اثرات مثبت چشمگیری را بر کل اقتصاد ملی به دنبال خواهد داشت.

محدودیت دسترسی به منابع مالی اعم از داخلی و بین‌المللی که به‌طور عمده ناشی از تحریم و فشارهای بین‌المللی بوده است، افزایش هزینه‌های سرمایه‌ای طرح‌ها و پروژه‌های صنعت نفت به دلیل افزایش شدید قیمت‌های جهانی در سال‌های اخیر، کاهش سهم درآمدی شرکت ملی نفت ایران از ارزش تولید نفت خام کشور و در نتیجه عدم امکان استفاده از آن در طرح‌های توسعه‌ای خود و مسائل قانونی در بخش نفت و گاز که باعث شده تنها امکان استفاده از روش‌های فاینانس و بیع متقابل برای استفاده از سرمایه‌های خارجی وجود داشته باشد، از مهم‌ترین مشکلات صنعت نفت در تأمین مالی پروژه‌هاست.^۲

پس از پایان جنگ تحمیلی، برای رهایی از چالش‌های پیش‌گفته، مسئولان کشور سعی کردند با راهکارهای مختلف، موجبات جذب سرمایه‌گذاری خارجی را فراهم آورند. پیش‌بینی جذب سرمایه‌های خارجی با روش‌های مختلف در قوانین بودجه سالیانه از جمله راهکارهای تسهیل‌کننده بود^۳ تا اینکه زمینه قانونگذاری تحت عنوانی مستقل فراهم شد. تصویب «قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری» در سال ۱۳۸۰ و اجرایی شدن آن در سال ۱۳۸۱ با مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام از جمله این قدم‌ها در مسیر یادشده بود. در قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی، هیچ نوع محدودیت قانونی از حیث حجم سرمایه‌گذاری، سهم سرمایه، بازگشت سود و سرمایه و یا روابط داخلی مابین شرکای یک طرح سرمایه‌گذاری وضع نگردیده است؛^۴ اما قانونگذار در

۱. اداره کل روابط عمومی وزارت نفت، نفت و توسعه، ص ۳۸.

۲. امیرمعینی و حاجی‌میرزایی، رژیم‌های مالی در صنعت نفت؛ نظام مالی دولت و شرکت ملی نفت ایران، ص ۱۳۳-۱۴۸.

۳. شیروی و ابراهیمی، «اکتشاف و توسعه میادین نفتی ایران از طریق قراردادهای بیع متقابل»، مجله حقوقی بین‌المللی، س ۲۶، ش ۴۱، ص ۲۴۳-۲۶۲.

4. www.investiniran.ir/investmentlicensing-fa.html.

بخش‌هایی که امکان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در آنها نیست، مانند بخش بالادستی نفت، تنها امکان انعقاد قرارداد سرمایه‌گذاری خارجی به روش‌های قراردادی را میسر دانسته است.^۱ این رویکرد قانونگذار حداقل در بخش صنعت نفت توفیقی را نصیب کشور نکرد؛ اگرچه این قانون نسبت به «قانون راجع به جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی» مصوب ۱۳۳۴ مجلس‌های شورای ملی و سنا از امتیازات ذیل برخوردار است.

اولاً: روش‌های مختلف سرمایه‌گذاری خارجی را تحت پوشش وسیع و حمایت قرار داده است؛
ثانیاً: تدوین تعریفی جامع از سرمایه‌گذاری خارجی را ارائه داده است؛
ثالثاً: ارائه تسهیلات بیشتر در پذیرش و تصویب طرح‌های سرمایه‌گذاری خارجی را پیش‌بینی کرده است؛

رابعاً: پیش‌بینی ایجاد مرکزی با استقرار نمایندگان دستگاه‌های مختلف در آن، برای خدمات سرمایه‌گذاری خارجی در محل سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران به منظور تسریع و تسهیل در امور مربوط به سرمایه‌گذاری‌های خارجی در مراحل قبل و بعد از صدور مجوز سرمایه‌گذاری؛

خامساً: معرفی روش‌ها و راهکارهای قانونی جدید برای پذیرش سرمایه‌گذاری دولتی و همچنین تأمین امنیت مورد نظر سرمایه‌گذاران خارجی و تعهد مستقیم دولت در به رسمیت شناختن حقوق اساسی آنان.^۲

با این وجود به جز مواردی محدود در بخش پایین دستی صنعت نفت و گاز، سرمایه‌گذاری خارجی که مشمول قانون فوق باشد؛ اتفاق نیفتاد. راه‌حل‌های قوانین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نیز نتوانسته نیاز به سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت و گاز را برآورده سازد؛ به همین دلیل بازنگری در اصل ۴۴ قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته و مسئولان اجرایی کردن آن را با قانونگذاری در دستور کار قرار داده‌اند. تحلیل ناکامی در جلب سرمایه‌های خارجی مورد نیاز در قلمرو انرژی‌های هیدروکربوری با توجه به اینکه کشور ایران از ذخایر بالای نفت و گاز برخوردار است و دارای مزیت‌های بسیار مهمی نسبت به کشورهای دیگر است؛ اهمیت موضوع مورد بحث را بیشتر آشکار می‌کند.

۱. قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی، روزنامه رسمی کشور، ش ۱۶۷۰۹، تاریخ انتشار ۱۳۸۱/۴/۲۲، بند «ب» ماده سه.

۲. عیار رضایی، مجموعه قوانین و مقررات اقتصادی، ص ۱۹-۴۴.

پرسش مهم این است که چرا کشورهای صادرکننده سرمایه که نوعاً کشورهای صنعتی توسعه یافته هستند و داشتن رابطه با کشورهای نفتی برای تضمین نیاز انرژی مورد نیازشان مسئله‌ای استراتژیک برای آنها است؛ حاضر به سرمایه‌گذاری خارجی در ایران نیستند؟ برای پاسخ به بخشی از این سؤال باید رژیم حقوقی حاکم بر سرمایه‌گذاری خارجی در حوزه صنعت نفت و گاز ایران را بررسی کرد. می‌توان گفت: همان‌طور که یک رژیم حقوقی کامل، مطمئن و مورد قبول جامعه جهانی می‌تواند در جذب سرمایه خارجی مؤثر باشد؛ یک رژیم حقوقی که امنیت سرمایه را تدارک نکند، نه تنها مورد توجه سرمایه‌گذاران خارجی نیست که موجبات فرار سرمایه داخلی را نیز فراهم می‌سازد، زیرا سرمایه محیطی امن، آرام و سودآور را طلب می‌کند. با توجه به مطالب پیش‌گفته کوشش شده است، با دستیابی بر اصول و قواعد حقوقی حاکم بر سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت و گاز ایران در تاریخ صنعت نفت به تحلیل و بررسی آنها پرداخته تا به ارائه راهکار مناسب برای رفع این معضل منتهی شود. این بررسی وقتی اهمیت می‌یابد که در دوره‌های مختلفی از تاریخ صنعت نفت در جذب سرمایه‌گذاری خارجی موفق عمل شده است. استخراج رمز این موفقیت در محدوده موضوع این تألیف کمک مؤثری در قانونگذاری حوزه‌های بالادستی و پایین دستی نفت خواهد داشت. این بررسی و تحلیل به صورت تطبیقی با اصول حاکم بر بخش سرمایه‌گذاری پیمان منشور انرژی که پیمانی چندجانبه و بین‌المللی در موضوع انرژی اعم از نفت و گاز و منعکس‌کننده دیدگاه کشورهای سرمایه‌پرست و نیازمند به نفت می‌باشد؛ انجام می‌گیرد تا نگاه کشورهای سرمایه‌پرست به جوانب مختلف سرمایه‌گذاری خارجی در نفت و گاز کشورهای دارای مخازن نفت روشن شود.

با توجه به مطالبی که بیان شد، پرسش اصلی این پژوهش مربوط به کشف رژیم حقوقی سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت و گاز ایران در تاریخ این صنعت و بررسی میزان هماهنگی آن با رژیم حقوقی حاکم بر پیمان منشور انرژی است. اهمیت پرداختن به این سؤال و سؤالات فرعی که بیان خواهد شد، وقتی بیشتر آشکار می‌شود که مطالعه تطبیقی در مورد این دو رژیم، سؤالی را در ذهن آشنایان به علم حقوق طرح می‌کند؛ سؤال این است که پیمان منشور انرژی در حوزه حقوق بین‌الملل عمومی و یا دست‌کم حقوق اقتصاد بین‌الملل مطرح است و حال اینکه رژیم حقوقی سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت و گاز ایران در حوزه مطالعات حقوق خصوصی و حداکثر در حوزه حقوق بین‌الملل خصوصی واقع است و شرط مطالعه تطبیقی دو

موضوع حقوقی، برخورداری آنها از اصول و قواعد مشترک^۱ است تا با همدیگر مقایسه شده و با تحلیل مشترکات و تمایزات آنها به یک جمع‌بندی منتهی گردد.

پاسخ ابتدایی این است که بین کشورهای صادرکننده سرمایه و واردکننده آن درباره این موضوع که رژیم حقوقی حاکم بر سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت و گاز یک کشور در حوزه کدام نوع حقوق قرار می‌گیرد؛ اختلاف نظر وجود دارد و رویه‌های داوری و دکتترین‌های حقوقی نیز به جای انسجام‌بخشی بر طبل اختلاف کوبیده‌اند، به طوری که یک نظریه غالب در این مورد وجود ندارد.^۲ در برهه‌هایی از زمان این رژیم سر بر بالین حقوق عمومی نهاده است و در وقت دیگر بر مسند حقوق بین‌الملل عمومی نشسته و گاه دیگر در حوزه حقوق بین‌الملل خصوصی مطرح بوده است؛ به گونه‌ای که از کتاب برخی حقوقدانان حوزه نفت و گاز، حدود ده دکتترین قابل اصطیاد است.^۳ به نظر می‌رسد برای رسیدن به یک وفاق نظر بین‌المللی، رندان حقوق از اصطلاح «قراردادهای دولت‌ها با شرکت‌های خارجی»، «قراردادهای دولت میزبان»، «قراردادهای توسعه اقتصادی» و... استفاده نموده‌اند؛^۴ تا تصمیم‌گیری در مورد ماهیت آنها را به داوران رسیدگی‌کننده به دعاوی حقوقی طرفین قرارداد موکول نمایند؛ به همین دلیل هنوز رویه‌ای خاص در مورد این قراردادها و به تبع آن موضوع رژیم حقوقی حاکم بر آنها شکل نگرفته است. بنا بر استدلال پیش‌گفته در حال حاضر در خصوص ایراد مطالعه تطبیقی بین دو رژیمی که موضوع بحث است، دیده اغماض شایسته است.

باید گفت: در دوره‌هایی از تاریخ حقوقی صنعت نفت ایران، وجود اصول و قواعد حاکم بر قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی که مجموعاً حاکی از یک رژیم حقوقی باشد، به وضوح قابل مشاهده است. این امر از دهه اول ۱۳۰۰ش شروع شده و در آغازین زمان تصویب «قانون مربوط به تفحص و اکتشاف و استخراج نفت در سراسر کشور و فلات قاره» مصوب ۱۳۳۶/۵/۷ تثبیت گردیده است.^۵ براساس اصول و قواعد حاکم بر آن قانون، شیوه قراردادهای «مشارکت در

۱. شیروی، حقوق تطبیقی، ص ۹۶-۱۰۳.

۲. قشیری و ریاض، «قانون حاکم بر نسل جدید قراردادهای نفتی: چرخش در روند داوری»، مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، ش ۲۹، ص ۲۹-۱۰۹.

۳. ر.ک: موحد، درس‌هایی از داوری‌های نفتی: قانون حاکم.

۴. لوبولانژه، قراردادهای دولت‌ها با شرکت‌های خارجی، ص ۲۴.

۵. قانون مربوط به تفحص و اکتشاف و استخراج نفت در سراسر کشور و فلات قاره، روزنامه رسمی کشور، ش ۳۶۴۲، تاریخ انتشار ۱۳۳۶/۵/۲۲.

تولید»، «مشارکت در سرمایه‌گذاری»، «مشارکت در سود» و «عاملی» ممکن گردید و قراردادهای زیادی از برخی انواع پیش‌گفته نیز در دو حوزه بالادستی و پایین‌دستی نفت و گاز منعقد شد. بعد از تصویب این قانون نوآوری‌هایی در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی در نفت و گاز ایران به وجود آمد تا اینکه اصول مهمی از رژیم حقوقی پیش‌گفته عوض شده و با تصویب «قانون نفت» در ۱۳۵۳/۵/۸ رژیم حقوقی دیگری بر این عرصه حاکم شد. براساس این رژیم امکان سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی نفت فقط با روش «قراردادهای خدمت نفتی» ممکن شد و تمام «قراردادهای مشارکت» و «عاملی» به نحو «قرارداد کنسرسیوم» در حوزه بالادستی به قراردادهای از نوع خدمت مبدل گردید؛ ولی امکان انعقاد قراردادهای نوع دیگر در حوزه پایین‌دستی میسر بود.^۱ بعد از پیروزی انقلاب بسیاری از نهادهای حقوقی متأثر شده و گاه به کلی فروریخت؛ از جمله بخش‌هایی که سخت متأثر از افکار انقلابی گردید، صنعت نفت ایران است. در ابتدا «لایحه قانونی تأسیس وزارت نفت» در تاریخ ۱۳۵۸/۷/۸ به تصویب «شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران» رسید.^۲ و سپس «لایحه قانونی متمم لایحه قانونی تأسیس وزارت نفت» مصوب ۱۳۵۹ تغییرات عمده‌ای را در تاریخ نفت موجب شد. ساختار بازرگانی حاکم بر شرکت ملی نفت ایران به یک ساختار اداری حاکم بر مؤسسات و سازمان‌های دولتی تبدیل گردید.^۳ «مهم این است که در ماده چهارم این لایحه آمده بود: «اعتبار اساسنامه‌های فعلی شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی گاز ایران و شرکت ملی صنایع پتروشیمی تا تصویب اساسنامه شرکت‌های جدید موضوع ماده ۳ قانون کماکان به قوت خود باقی است».^۴ این یک تناقض آشکار در لایحه یادشده است. از طرفی نفت ملی شده، دولتی می‌شود و از طرف دیگر روند بازرگانی حاکم بر شرکت‌ها، قانونی تلقی می‌شود، در این نبرد نابرابر دولتی شدن صنعت نفت و تبدیل شرکت ملی نفت به عنوان ابزار قوه مجریه نتیجه نهایی بود. این نگاه با تصویب اصول ۴۳، ۴۴، ۷۷، ۸۱، ۱۳۹، از قانون اساسی جمهوری اسلامی^۵ تثبیت تغییر رژیم حقوقی حاکم بر صنعت نفت را نوید داد، نویدی که در سال ۱۳۶۶ با گنجاندن ماده ششم و دوازدهم در «قانون نفت» مصوب ۱۳۶۶/۷/۹ کامل شد. براساس ظاهر ماده دوازدهم، قانون نفت ۱۳۵۳ ملغی شد و

۱. قانون نفت، روزنامه رسمی کشور، ش ۸۶۲۶، تاریخ انتشار ۱۳۵۳/۵/۲۸.

۲. لایحه قانونی تأسیس وزارت نفت، روزنامه رسمی کشور، ش ۱۰۰۹۲، تاریخ انتشار ۱۳۵۸/۷/۲۴.

۳. لایحه قانونی متمم لایحه قانونی تأسیس وزارت نفت، روزنامه رسمی کشور، ش ۱۰۳۱۵، تاریخ انتشار ۱۳۵۹/۵/۴.

۴. همان.

۵. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۹)، لوح حق.

براساس ماده شش هر گونه سرمایه‌گذاری خارجی در دو حوزه نفت و گاز ممنوع گردید.^۱ اما این نگرش بعد از پایان جنگ تحمیلی و احتیاج به سرمایه‌گذاری خارجی برای جبران خسارات وارده به صنعت نفت و جبران عقب‌ماندگی‌های ایران از رقبای خود در بخش صنعت نفت و به دست آوردن جایگاه پیشین خود در حوزه بین‌المللی صادرات نفت تاب مقاومت نیاورد و آسان‌ترین گزینه، بازی قانونی با قانون اساسی و قوانین حاکم بر این حوزه بود؛ روندی که ادامه دارد و حاصلش هرج و مرج حقوقی است که بر این حوزه حاکم است و شاید یکی از علل عدم انتشار قراردادهای منعقد در حوزه نفت پس از انقلاب و جلوگیری از نقد و بررسی آن از سوی کارشناسان دو حوزه حقوق و اقتصاد، وجود عدول از مقررات جاری کشور و بازی حقوقی باشد که با قانونمندی صورت می‌گیرد. در این دوره قراردادهای بخش بالادستی نفت منحصر در نوع «بیع متقابل» و یا آنچه «بای بک» نامیده می‌شود، بوده^۲ در حالی که در حوزه پایین دستی بیشتر از روش‌های قرضی استفاده شده است.^۳ در ضمن نتیجه بازنگری در اصل ۴۴ قانون اساسی که کوششی جدید برای تجدید نظر در سیاست‌های گذشته اقتصادی و به تبع آن اقتصاد نفتی و انحصارگرایی دولتی است و تصویب «قانون اصلاح قانون نفت ۱۳۶۶ مصوب ۱۳۹۰» برای محقق ساختن این رویکرد جدید در بخش نفت و گاز را گذشت زمان روشن خواهد کرد.

قابل توجه است که موضوع مورد تحقیق پیشینه قابل توجهی در حقوق ایران ندارد؛ اگرچه در موضوع حقوق نفت ایران^۴ و پیمان منشور انرژی تألیفاتی سامان یافته^۵ و تحقیقاتی در برخی مؤسسات انجام گرفته است؛^۶ ولی در هیچ کدام از این تحقیقات رژیم حقوقی سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز ایران، با مقررات بخش سرمایه‌گذاری پیمان منشور انرژی مقایسه نشده است؛

۱. قانون نفت، روزنامه رسمی کشور، ش ۱۲۴۴۱، تاریخ انتشار ۱۳۶۶/۸/۲۱.

۲. شیروی و ابراهیمی، «اکتشاف و توسعه میادین نفتی ایران از طریق قراردادهای بیع متقابل»، مجله حقوقی بین‌المللی، س ۲۶، ش ۴۱.

۳. فهیمی‌فر و همکاران، تعیین و اولویت‌بندی بازارهای هدف محصولات صادراتی پتروشیمی ایران، ص ۳۶.

۴. موسوی، «مختصری بر پایان‌نامه‌های فارغ‌التحصیلی دانش‌آموختگان داخل کشور مرتبط با صنعت نفت»، امور پژوهش و توسعه شرکت مهندسی و توسعه نفت، ش ۱۰۸.

۵. ر.ک: صحرانورد، آثار حقوقی الحاق ایران به پیمان منشور انرژی (ECT) در حوزه نفت و گاز، پایان‌نامه دکتر، دانشگاه تهران؛ منصوری، بررسی منشور انرژی و عضویت ایران در آن، پایان‌نامه ارشد، دانشگاه تهران؛ گنجی اسفه، ارزیابی حقوقی پیوستن جمهوری اسلامی ایران به معاهده منشور انرژی با تکیه بر حقوق بین‌الملل و منافع ملی ایران، پایان‌نامه ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی.

6. <http://www.iies.ac.ir/>

حتی دو محوری که مطالعه تطبیقی شده، به گونه‌ای مجزا نیز بررسی نشده است؛ اگرچه در مورد تبیین مفاد پیمان منشور انرژی تلاش‌هایی صورت گرفته است.^۱ به بیان دیگر نه جامعه حقوق دانان ایران بر کشف و استحصال رژیم حقوقی حاکم بر سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت و گاز ایران تحقیق قابل توجهی نموده است و نه اصول حاکم بر بخش سرمایه‌گذاری خارجی پیمان منشور انرژی را کاویده است؛ گویی حوزه حقوق نفت منطقه ممنوعه جامعه حقوقی است که از هر لحاظ در این حوزه فقیریم. دلیل این عدم رویکرد شاید مشکل مباحث این حوزه حقوق اقتصادی باشد که از موضوعات میان‌رشته‌ای است. زیرا مباحث حقوق نفت آن هم در حوزه سرمایه‌گذاری از جهتی حقوقی و از سوی دیگر اقتصادی، بازرگانی و گاه مرتبط با مباحث شیمی صنعتی، زمین‌شناسی، مدیریت صنعتی و علوم فنی است.^۲ بررسی قراردادهای نفتی نیز خالی از مباحث پیش‌گفته نیست؛ زیرا قراردادهای نفتی متشکل از بخش‌های مربوط به حقوق و تعهدات طرفین و مسائل مدیریتی و اقتصادی و فنی است.^۳ در حوزه حقوق نیز مباحث مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی با رشته‌های مختلف حقوق عمومی، خصوصی، بین‌الملل عمومی و خصوصی ارتباط دارد و اطلاع از این همه، کاری سخت و طاقت‌فرساست. از این همه گفته، ضرورت پژوهش آشکار می‌گردد که در مورد مهم‌ترین منبع درآمد خارجی کشور سؤالات فراوانی برای متصدیان اداره آن به وجود می‌آید و متخصصین باید آن را پاسخ دهند. اینکه ایران عضو ناظر پیمان منشور انرژی است و آیا الحاق ایران به آن پیمان چه مسئولیت‌هایی را متوجه کشور می‌کند؟، از جمله نشانه‌های این ضرورت است. لازم به یادآوری است که در موضوع حقوق نفت تعداد اندکی از حقوق دانان به مسائل حقوقی این رشته پرداخته‌اند و بقیه نویسندگان که تعدادشان قابل توجه است به دلیل رشته تخصصی و یا علاقه‌شان و یا آسانی موضوع فقط از منظر تاریخ سیاسی به حوزه نفت پرداخته‌اند،^۴ حتی گروه اندک نخست نیز در مباحث خود به این حوزه توجه کمی کرده‌اند،^۵

1. Ibid

۲. سعیدی، «سه مقاله در صنعت نفت کشور»، نشریه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، س ۹، ش ۳۴، ص ۶۷-۱۸۷؛ درخشان، «منافع ملی و سیاست‌های بهره‌برداری از منابع نفت و گاز»، همان، ص ۱۳-۶۵.

۳. امور حقوقی شرکت ملی نفت ایران، قرارداد موسوم به کنسرسیون، مجموعه قوانین و مقررات نفت، گاز و پتروشیمی (پیش از مشروطیت تاکنون)، ج ۱، ۲ و ۳، ص ۱۷۴-۲۴۳.

۴. ر.ک: موسوی، مسائل سیاسی اقتصادی جهانی نفت؛ ر.ک: میرترابی، نفت، سیاست و دموکراسی؛ ر.ک: امینی، مسائل سیاسی - اقتصادی نفت ایران.

۵. موحد، نفت ما و مسائل حقوقی آن، ص ۹-۱۲۹.

گویی از ابتدا صنعت نفت ایران با بحث‌های سیاسی مرتبط شده و از حوزه حقوق و اقتصاد خارج شده است.

ترتیب منطقی و نظام‌مند تحقیق اقتضا دارد در مبحث اول از فصل نخست، ابتدا مفاهیم و خصوصیات واژگان و عنوان‌های اصلی بحث در گفتار اول روشن شود، تا واضح گردد، کدامین معنا و با چه ویژگی‌هایی مراد است. سپس در گفتار دوم، تاریخچه سرمایه‌گذاری خارجی در نفت و گاز ایران و پیمان منشور انرژی بیان می‌شود. انواع و روش‌های سرمایه‌گذاری خارجی در دو حوزه بالادستی و پایین‌دستی نفت و گاز ایران در مبحث دوم این فصل بررسی می‌شود. در گفتار اول تقسیم‌بندی سرمایه‌گذاری خارجی نفتی از منظر اقتصادی، پولی و مالی و از دیدگاه شرکت‌های نفتی منظم خواهد شد. در گفتار دوم نیز انواع سرمایه‌گذاری انجام‌گرفته در بخش‌های بالادستی و پایین‌دستی صنعت نفت و گاز ایران و روش‌های ممکن برابر مقررات بخش سرمایه‌گذاری پیمان منشور انرژی مورد بحث قرار می‌گیرد.

در فصل دوم که بر پایه سه مبحث بنا نهاده شده است، ابتدا ارکان و ماهیت قراردادهای سرمایه‌گذاری نفتی بررسی می‌شود تا زمینه‌ای باشد که در مبحث دوم تغییرات رژیم حقوقی سرمایه‌گذاری نفتی در صنعت نفت ایران بررسی شده و در مبحث سوم اصول و قواعد مستخرج از آنها در قوانین ایران با مقررات ناظر بر سرمایه‌گذاری خارجی پیمان منشور انرژی مقایسه گردد. در نهایت نتیجه و پیشنهادات حاصل از پژوهش در دو زمینه رژیم حقوقی پیشنهادی سرمایه‌گذاری خارجی نفتی و فرصت‌ها و چالش‌های الحاق ایران به پیمان منشور انرژی پرونده این پژوهش را می‌بندد.

قم المقدسه - زمستان ۱۳۹۵

علی محمد حکیمیان

فصل اول

مفاهیم، تاریخچه، انواع و روش‌های سرمایه‌گذاری خارجی در نفت و گاز ایران و پیمان منشور انرژی

این فصل در دو مبحث سامان می‌یابد. در گفتار اول مبحث اول، به مفهوم واژگان اصلی به کار رفته در موضوع اشاره می‌شود تا مقصد بحث با تصور صحیح خواننده روشن گردد و در گفتار دیگر تاریخ حقوقی سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت و گاز ایران و تاریخچه سرمایه‌گذاری نفتی در چارچوب پیمان منشور انرژی بررسی می‌شود. مبحث دوم این فصل نیز در دو گفتار منظم شده است. گفتار اول به موضوع تقسیم‌بندی سرمایه‌گذاری خارجی با توجه به مبانی مختلف اشاره می‌کند و گفتار دوم روش‌های سرمایه‌گذاری انجام‌شده در صنعت نفت ایران و انواع ممکن براساس مقررات پیمان منشور انرژی را به خود اختصاص داده است.

آنچه در گفتار دوم مبحث اول، تحت عنوان تاریخ حقوقی سرمایه‌گذاری خارجی نفتی در ایران خواهد آمد و همه مباحث فصل دوم که با عنوان انواع و روش‌های سرمایه‌گذاری خارجی نفتی ارائه می‌شود، بخشی از رژیم حقوقی سرمایه‌گذاری خارجی نفتی را تشکیل می‌دهد؛ زیرا این رژیم حقوقی برآمده از قوانین موضوعه، آرای داوری بین‌المللی و قراردادهای نفتی بین‌المللی که سازنده عرف‌های خاص در این حوزه و دکترین‌های حقوقی است، می‌باشد.

مبحث اول: مفاهیم و تاریخچه

این مبحث در دو گفتار تنظیم شده است. در گفتار اول مفاهیم و اصطلاحات در هفت بند تبیین می‌شود و در گفتار دوم در سه بند، ابتدا تاریخ اجمالی سرمایه‌گذاری خارجی با نگاهی صرفاً اقتصادی و آماری در نفت و گاز ایران ذکر می‌شود و سپس تاریخچه حقوقی صنعت نفت ایران

در بند دوم بررسی می‌گردد و در بند سوم تاریخچه سرمایه‌گذاری نفتی در چارچوب پیمان منشور انرژی ارائه می‌شود.

گفتار اول: مفاهیم

هر پژوهش علمی لازم است بر بستر زیرساخت‌های معین و شفاف انجام یابد. در عرصه کاوش علمی - تطبیقی در مورد رژیم حقوقی سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت و گاز نیز درک مفاهیم و اصطلاحات مربوطه از جمله مباحث زیربنایی است که شایسته است پیش از ورود به بحث اصلی، مورد توجه و دقت نظر قرار گیرد. با توجه به تفاوت معانی کلمات و اصطلاحات در علوم مختلف و ارتباط موضوع سرمایه‌گذاری با علوم اقتصاد و حقوق نفت، تبیین ماهوی اصطلاحات سرمایه‌گذاری در این تحقیق اهمیتی مضاعف می‌یابد. از جمله اصطلاحات کلیدی که در این مبحث تبیین می‌گردد، رژیم حقوقی، سرمایه‌گذاری خارجی، قرارداد نفتی، پیمان منشور انرژی، نفت و گاز و عملیات بالادستی و پایین‌دستی است.

بند اول: رژیم حقوقی

رژیم حقوقی اصطلاحی است با ریشه یونانی^۱ که در ادبیات حقوقی فرانسه به مفهوم «نظام قواعد و مقررات و سیستم حقوقی و قانونی به کار می‌رود»^۲. برخی دیگر آن را به مفهوم: بیان قواعد و مقررات معتبر به صورت یک مجموعه دانسته‌اند؛ یا به این دلیل که آن قواعد و مقررات مرتبط با موضوعی خاص و معین است مانند: «رژیم مالکیت اموال غیر منقول» و یا به این سبب که آن قواعد و مقررات جهت هدفی تنظیم و مقرر شده است، مانند: «رژیم دفاعی» و «رژیم رفرم و اصلاحات». بعضی دیگر آن را به معنای قواعد معتبری دانسته‌اند که مربوط به موضوعی معین و مقوله‌های فرعی مرتبط با آن است.^۳ بعضی حقوق‌دانان نیز آن را طوری استعمال کرده‌اند که می‌توان این اصطلاح را به مفهوم یک مجموعه غیر بسیط، متشکل از قوانین به مفهوم عام، اصول کلی حقوقی، رویه قضایی و عرف خاص حاکم بر یک موضوع معین حقوقی دانست.^۴

۱. قاضی، معجم المصطلحات القانونیه، ج ۲، ص ۱۷۱۷.

۲. آقای، فرهنگ حقوقی بهمن، ص ۹۵۶.

۳. انصاری و طاهری، دانشنامه حقوق خصوصی، ج ۳، ص ۲۰۶۶.

۴. محبی، «رژیم قانون حاکم دیوان دآوری ایران - ایالات متحده در دعاوی نفتی و تأثیر آن در روند دآوری

بین‌المللی»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۲۷ و ۲۸، ص ۶۲.

برخی دیگر از حقوق‌دانان حوزه حقوق نفت ایران، تعریفی از «قانون حاکم» یا «قانون خاص قرارداد» نموده‌اند که با تعریفی که اخیراً ذکر شد، سازگاری دارد، بلکه دقیق‌تر است. او در تعریف از قانون حاکم همان رژیم حقوقی را منظور نموده است؛ زیرا در تعریف قانون حاکم از اصطلاح «نظام حقوقی» بهره برده است و آشکار است که نظام حقوقی متشکل از مجموعه‌ای از اصول، قواعد و قوانین و آیین‌نامه‌ها و حتی اساسنامه‌های قانونی شرکت‌های دولتی است. او در تعریف می‌گوید: «مقصود از قانون حاکم یا قانون خاص قرارداد، نظام حقوقی است که قرارداد در درون چارچوب آن به وجود می‌آید و اعتبار و نفاذ خود را از آن می‌گیرد، الفاظ و عبارات قرارداد برحسب آن تفسیر می‌شود، اجرای حقوق و ایفای تعهداتی که مضمون قرارداد را تشکیل می‌دهد به موجب آن قانون صورت می‌گیرد، مسائلی از قبیل آثار و احکام التزامات و مسئولیت‌هایی که از باب عدم انجام آنها پیش می‌آید تابع مقررات آن قانون است و باز همان قانون است که در موارد اجمال و ابهام قرارداد یا در هر جا که طرف‌ها به سکوت برگزار کرده و تکلیف آن را روشن نساخته باشند، جایگزین اراده متعاقدين می‌شود و مقررات را تکمیل می‌کند».^۱

روشن است که مراد این دیدگاه از واژه «قانون» در سطرهای آخری همان «نظام حقوقی» است.^۲ افزون بر این تعریف یادشده و به تبع آن در پژوهش حاضر تنها قانون حاکم بر قرارداد مراد نیست؛ بلکه علاوه بر قانون حاکم بر قرارداد که می‌تواند شامل قانون حاکم بر ماهیت و تفسیر قرارداد و قانون حاکم بر داوری و رفع اختلاف طرفین آن باشد؛ شامل «قانون پایه» نیز هست،^۳ مراد از قانون پایه آن بخش از قانون داخلی کشورهای طرفین قرارداد است که در بستر آن اراده طرفین برای انعقاد قرارداد با رعایت نظم حقوقی داخلی و انتظامی و اگر قرارداد سرمایه‌گذاری مشمول تعریف قراردادهای توسعه باشد، با رعایت نظم حقوق بین‌المللی و انتظامی بین‌المللی مشروعیت قانونی می‌یابد.^۴ بنابراین با توجه به مفاهیم پیش‌گفته و از آنجا که قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت و گاز از جمله قراردادهای دولتی است که دست‌کم یک طرف آن یک شخصیت حقوقی بین‌المللی و یا نماینده آن است؛^۵ در این پژوهش

۱. موحد، درس‌هایی از داوری‌های نفتی: قانون حاکم، ص ۲۱.

۲. همان، ص ۸۳.

۳. برای روشن نظریه قانون پایه ر.ک: همان، ص ۵۳ و ۵۴.

۴. برای دیدن مفهوم انواع نظم عمومی و کارکرد آنها در قراردادها ر.ک: صادقی، «مفهوم و اعمال نظم عمومی در مراجع قضایی و شبه‌قضایی و جلوه‌های نوین آن»، مجله حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ش ۶۸، ص ۸۹-۱۱۴.

۵. لوبولانژه، قراردادهای دولت‌ها با شرکت‌های خارجی، ص ۲۹ و ۳۰.

اصطلاح «رژیم حقوقی» به: مجموعه‌ای از قوانین و مقررات به مفهوم عام شامل قوانین اساسی، مدنی، تجاری، جزایی، مالیاتی، بانکی، پولی و...، آیین‌نامه‌ها، مصوبات، اساسنامه‌های قانونی، معاهدات دوجانبه و چندجانبه مصوب مجلس، رویه‌های قضایی، دکترین‌های حقوقی و آرای داوری داخلی و بین‌المللی، اصول کلی حقوقی و اصول حقوقی بین‌المللی است که در انعقاد، اجرا و پایان قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت و گاز ایران دخالت دارد و مورد استناد حقوقی قرار می‌گیرد.

بند دوم: سرمایه‌گذاری خارجی

هر نوع فعالیت بین‌المللی فرامرزی که متضمن انتقال ثروت بین ملل و اتباع دو کشور متفاوت باشد، سرمایه‌گذاری خارجی محسوب نمی‌شود و لازم است سرمایه‌گذاری خارجی با تجارت بین‌المللی تفکیک گردد.^۱ بعضی گفته‌اند: سرمایه‌گذاری خارجی، خرید و کسب دارایی از سوی دولت‌ها، مؤسسه‌ها و افراد در کشور دیگر است. سرمایه‌گذاری خارجی، سرمایه‌گذاری‌های مستقیم و غیر مستقیم را دربر می‌گیرد که می‌تواند از سوی بخش عمومی یا بخش خصوصی در کشور دیگری صورت پذیرد.^۲ عناصر این تعریف عبارت است از: اولاً تحصیل دارایی در کشوری دیگر، ثانیاً این دارایی دربرگیرنده انواع سرمایه‌گذاری است و ثالثاً حتی شامل معاملات بازرگانی می‌گردد. این تعریف موافق نظر شرکت‌ها، مؤسسات و اتباع کشورهای سرمایه فرست توسعه یافته است و پذیرش آن برای کشورهای سرمایه‌پذیر مشکلات حقوقی به دنبال دارد. بعضی دیگر سرمایه‌گذاری بین‌المللی یا خارجی را به انتقال سرمایه از کشوری به کشور دیگر و یا به تعبیری انتقال سرمایه‌ها در صحنه جهانی تعبیر کرده‌اند. از شرحی که این نویسندگان از عناصر سرمایه‌گذاری خارجی داده این ویژگی‌ها قابل اصطیاد است. ۱. استقرار و فعالیت اقتصادی سرمایه‌گذار در کشور میزبان سرمایه؛ ۲. دوام این فعالیت در کشور میزبان؛ ۳. پذیرش ریسک موجود کشور خارجی که ناشی از وضع قوانین مختلف آن کشور است.^۳ به نظر می‌رسد این تعریف سختگیرانه و تنها شامل برخی از انواع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بوده و شامل سرمایه‌گذاری مستقیم قراردادی و پروفولیو نیست. فرهنگ لغت حقوق بین‌الملل؛

۱. پیران، مسائل حقوقی سرمایه‌گذاری بین‌المللی، ص ۱۷.

۲. پرتوی، «سرمایه‌گذاری خارجی در بخش بالادستی نفت و گاز کشور در برنامه چهارم توسعه»، مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، ش ۷۹ و ۸۰، ص ۵-۱۳.

۳. پیران، مسائل حقوقی سرمایه‌گذاری بین‌المللی، ص ۱۸.

سرمایه‌گذاری خارجی را انتقال وجوه یا مواد از یک کشور (کشور صادرکننده) به کشور دیگر (کشور میزبان)، جهت استفاده از تأسیسات یک بنگاه اقتصادی یا دارایی‌های سرمایه‌ای دیگر در کشور اخیر با شرکت در مدیریت آن سرمایه تعریف کرده است.^۱

شاخص اصلی این تعریف افزون بر جریان سرمایه از کشوری به کشور دیگر و تحصیل دارایی در آن کشور، شرکت در اداره و مدیریت کردن سرمایه به‌طور مستقیم از سوی سرمایه‌گذار خارجی است. این تعریف با عناصر پیش‌گفته شامل سرمایه‌گذاری از نوع مستقیم قراردادی و پروفوی (خرید سهام) نیست و روش‌های تأمین سرمایه‌گذاری قرضی را هم دربر نمی‌گیرد. به نظر می‌رسد این تعریف به تعریفی که در «میگا»^۲ انجام گرفته است؛ نزدیک می‌باشد. عناصر تشکیل‌دهنده سرمایه‌گذاری با توجه به کنوانسیون سنول، سه مورد است و هرگز تغییر نمی‌کند: اولاً وجود یک آورده، که می‌تواند نقدی یا غیر نقدی باشد؛ ولی هرگز نمی‌تواند خدمات باشد؛ ثانیاً در یک دوره زمانی که چندان کوتاه نباشد، در محل سرمایه‌گذاری ثابت بماند؛ ثالثاً سرمایه‌گذاری وقتی وجود دارد که سرمایه‌گذار ریسک‌ها و خطرات احتمالی سرمایه‌گذاری را حداقل به‌طور جزئی متحمل شود.^۳ گرچه این تعریف شرکت مستقیم سرمایه‌گذار در مدیریت سرمایه را مطرح نکرده است، ولی با خارج کردن انجام صرف خدمات تفاوت ماهوی را با مفهوم قبلی ایجاد نموده است. با توجه به عناصر این تعریف، سرمایه‌گذاری مستقیم قراردادی و پروفوی مصداق سرمایه‌گذاری خارجی است، مشروط به اینکه آورده طرف خارجی مجزای از خدمات صرف باشد. برخی گفته‌اند سرمایه‌گذاری خارجی به «انتقال وجوه یا مواد از یک کشور به کشور دیگر جهت استفاده در تأسیسات یک بنگاه اقتصادی در کشور میزبان سرمایه در ازای مشارکت مستقیم یا غیر مستقیم در عواید آن اطلاق می‌گردد».^۴ به نظر می‌رسد، این تعریف در بخش اخیر آن درست ترجمه نشده و مقصود نویسنده خارجی شرکت در عواید نیست، بلکه شرکت در مدیریت سرمایه‌گذاری است.

از سرمایه‌گذاری خارجی تعاریف متفاوتی در قوانین مختلف ایران ارائه شده است. «قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی» ایران سرمایه‌گذاری خارجی را «به‌کارگیری سرمایه

1. <http://www.investopedia.com/terms/f/foreign-investment.asp#ixzz1mKT3pedz>.

2. Multilateral Investment Guarantee Agency

۳. راجی، «تعریف سرمایه‌گذاری در اسناد و آرای بین‌المللی»، فصلنامه حقوقی گوا، ص ۵۴.

۴. ذوالقدر، «مبانی نظری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی

دانشگاه تهران، دوره ۳۹، ش ۲، ص ۹۰.

خارجی در یک بنگاه اقتصادی جدید یا موجود پس از اخذ مجوز سرمایه‌گذاری^۱ می‌داند. در ادامه اخذ مجوز منوط به رعایت ماده ۶ و این ماده نیز رعایت شرایط مذکور در ماده ۲ را الزامی دانسته است. بنابراین صدق عنوان سرمایه‌گذاری خارجی در این قانون مشروط به رعایت موارد شش‌گانه ذیل است.

۱. هدف از سرمایه‌گذاری خارجی عمران و آبادی و فعالیت تولیدی و یا خدمات باشد؛
 ۲. سرمایه‌گذاری خارجی موجب رشد اقتصادی، ارتقای فناوری، ارتقای کیفیت تولیدات، افزایش فرصت‌های شغلی و افزایش صادرات شود؛
 ۳. این سرمایه‌گذاری سبب تهدید امنیت ملی و منافع عمومی، تخریب محیط زیست، اختلال در اقتصاد کشور و تضييع تولیدات مبتنی بر سرمایه‌گذاری‌های داخلی نشود؛
 ۴. سرمایه‌گذاری مزبور متضمن اعطای امتیاز از سوی دولت به سرمایه‌گذاران خارجی نباشد، منظور از امتیاز، حقوق ویژه‌ای است که سرمایه‌گذاران خارجی را در موقعیت انحصاری قرار دهد؛
 ۵. سهم ارزش کالا و خدمات تولیدی حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی محدود به میزانی باشد که در بند «د» ماده ۲ ذکر شده است؛
 ۶. محدودیت‌های مربوط به تملک اموال غیر منقول خارجیان که در تبصره ماده ۲ ذکر گردیده است، رعایت گردد.^۲
- در آیین‌نامه این قانون برای خارجی تلقی شدن سرمایه‌گذاری در واحدهای اقتصادی موجود آمده است «سرمایه‌گذاری خارجی در بنگاه‌های اقتصادی موجود از طریق خرید سهام و یا افزایش سرمایه و یا تلفیقی از آنها با طی مراحل پذیرش از مزایای این قانون برخوردار می‌گردد، مشروط به اینکه سرمایه‌گذاری مزبور، ارزش افزوده ایجاد کند. ارزش افزوده جدید می‌تواند در نتیجه افزایش سرمایه در بنگاه اقتصادی و یا تحقق اهدافی از قبیل ارتقای مدیریت، توسعه صادرات و یا بهبود سطح فناوری در بنگاه اقتصادی موجود حاصل شود».^۳

۱. ماده ۱ قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی ایران، روزنامه رسمی کشور، شماره ۱۶۷۰۹، تاریخ انتشار ۱۳۸۱/۴/۲۲.

۲. قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی، روزنامه رسمی کشور، شماره ۱۶۷۰۹، تاریخ انتشار ۱۳۸۱/۴/۲۲.

۳. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۹)، لوح حق، آیین‌نامه اجرایی قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی، ماده ۷.